

موانع محکمہ

مکتبہ دارالافتاء

مشیت و نائش الخ

«از منظر قرآن و حدیث»

مجلد ۱۰۰

شماره ۱۰۰

تاریخ ۱۳۸۵

قیمت ۱۰۰۰

نویسنده

۱۳۸۵/۱۰/۱۰

تاریخ ۱۳۸۵

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

مکتبہ دارالافتاء

قدرت الله مشایخی

مشایخی، قدرت الله، ۱۳۱۹ -
 موانع نخبگی "از منظر قرآن و حدیث" / قدرت الله مشایخی - قم: انصاریان، ۱۳۸۸.
 ۵۶۰ ص.

ISBN: 978-964-219-098-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما:
 ۱. تقوا. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. خودسازی (اسلام). الف. عنوان.
 ۲۹۷/۶۳ BPT۵۰/م۵م۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۸۸۰۴ ۱۳۸۸

موانع نخبگی

«از منظر قرآن و حدیث»

((ش . م . مؤلف: قدرت الله مشایخی. نشر: انتشارات انصاریان))

ناشر: انتشارات انصاریان

چاپ اول: ۱۳۸۸ - ۲۰۰۹ - ۱۴۳۰

چاپخانه: قدس

تعداد صفحات: ۵۶۰ ص.

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قطع: وزیری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۹-۰۹۸-۰

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

نجایان شهدا - کوچه ۲۲

ص.ب ۱۸۷

تلفن: ۷۷۴۱۷۴۴ (۲۵۱) (۹۸) دورنگا: ۷۷۴۲۶۴۷

پست الکترونیک: Int_ansarian@yahoo.com & ansarian@noormet.net

www.ansariyan.org & www.ansariyan.net

چاپخانه: قدس

فهرست

۵	فهرست مندرجات
۱۵	مقدمه
۱۶	فضایل و رذایل
۱۷	حکمت نظری و حکمت عملی
۱۸	خود حیوانی و خود ملکوتی
۱۹	جریم شکنی آگاهانه
۲۰	آثار گوناگون گناه

فصل اول

کافرین

۲۲	معنای لغوی کفر
۲۵	دیدگاه شیخ طوسی
۲۵	مراتب کفر
۲۷	مراد از ختم چیست؟
۲۷	اقسام کفر از دیدگاه امام صادق علیه السلام در قرآن
۳۱	ستون های چهارگانه کفر
۳۱	شعب چهارگانه فسق و آثار مترتب بر آن
۳۲	آثار عمی و نابینایی
۳۴	شعب چهارگانه غلو و آثار آن
۳۵	شعب چهارگانه شک و آثار آن
۳۶	شعب چهارگانه شبهه و آثار آن
۳۸	شبهه شناسی

۴۰	آثار کفر - ظلم
۴۱	آثار کفر - حبط عمل
۴۴	«حبط»، «احباط»، «تکفیر»
۴۶	موارد تبدیل صغیره به کبیره
۴۸	عوامل دوازده گانه احباط
۵۳	خداوند کفار را دوست ندارد
۵۴	کفار مورد لعن خداوند
۶۱	اطاعت از کفار! عقب گرد و سیر قهقرایی
۶۲	خشم و غضب خداوند بر کفار
۶۴	ولی و سرپرست کفار، طاغوت است
۶۵	پوشش گرسنگی و ناامنی
۶۶	رابطه امنیت و زیادی روزی
۶۶	توقع بی جای کفار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۶۸	علت تکرار در آیات سوره چیست؟
۶۸	آیا مفهوم «لکم دینکم» جواز بت پرستی است؟
۶۹	نقشه کفار نقش بر آب شد
۷۰	تقدم کفر بر شرک
۷۳	کافرین و احکام فقهی
۷۴	اهل کتاب
۷۴	مرتد فطری و مرتد ملی
۷۵	آثار کفر در احکام اسلامی
۷۸	اندازه و مقدار جزیه
۷۸	شرایط ذمه
۸۰	ضرب المثل های قرآن برای کفار
۷۹	اهمیت مثل در کلام
۸۰	شناخت کفار از طریق ضرب المثل ها
۸۴	اعمال کفار بی محتواست
۸۵	ضرب المثل کفر
۸۷	اصول کفر و ریشه های آن از دیدگاه حدیث
۸۸	نفرین نوح درباره کفار

فصل دوم

۲۱

مشرکین

۲۲

- ۹۱..... شرک در لغت و اصطلاح
- ۹۴..... ترسیمی گویا از شرک
- ۹۶..... معبودان مگس گونه
- ۹۸..... بتان، نجات بخش شما نیستند
- ۹۹..... بتان در محشر همراه شما نیستند
- ۱۰۰..... شرک گناه نابخشودنی
- ۱۰۱..... شرک گمراهی دور است
- ۱۰۱..... شرک ظلم بزرگ
- ۱۰۳..... شرک در مظاهر مختلف
- ۱۰۴..... بتان در نصیب و بهره شریک خدا هستند
- ۱۰۵..... فرزندان قربانی بتان می شوند
- ۱۰۶..... آغاز بت پرستی از چه زمانی بوده و انگیزه آن چیست؟
- ۱۰۷..... نام بت هایی که در قرآن آمده است
- ۱۱۶..... پیدایش بتان
- ۱۱۷..... وظیفه پیامبر بابت پرستان
- ۱۱۹..... خدایان شما کجا هستند
- ۱۲۱..... مناظره حضرت ابراهیم با قوم خود
- ۱۲۱..... خشم خدایان شما کار ساز نیست
- ۱۲۳..... ابراهیم با شرک به مبارزه بر می خیزد
- ۱۲۶..... ابراهیم دلایل توحید را برای قوم خود بیان می کند
- ۱۲۷..... چگونگی استدلال ابراهیم
- ۱۲۸..... سوره توبه و برائت از مشرکین
- ۱۲۹..... ابوبکر عزل می شود
- ۱۳۱..... فضیلت بزرگ برای علی (ع)
- ۱۳۳..... مواذ چهارگانه اعلام
- ۱۳۴..... پشن از پایان مدت، درنگ با آن ها جایز نیست
- ۱۳۵..... چهار دستور خشن
- ۱۳۵..... برخورد با پیمان شکنان
- ۱۳۶..... جهاد علیه مشرکان و بت پرستان
- ۱۳۸..... ساختن و تعمیر مسجد برای مشرکان ممنوع است

۱۳۸	مسجد سازان واقعی
۱۳۹	ورود مشرکان به مسجد الحرام ممنوع است
۱۴۰	ازدواج با مشرکین ممنوع است
۱۴۲	مراثب و درجات شرک
۱۴۲	در خالقیت شریک ندارد
۱۴۶	شرک در عبادت
۱۴۸	شرک در تدبیر و ربوبیت عالم
۱۵۱	وحدت نظام، گواه بر وحدت مدبر است
۱۵۴	واسطه غیر از شرک است
۱۵۷	احترام به آثار اولیا شرک نیست
۱۶۰	شرک خفی
۱۶۲	ممنوعیت شناخت شرک از طرف بنی امیه
۱۶۷	سخن حضرت علی علیه السلام درباره شرک
۱۶۸	بیان حضرت رضا علیه السلام درباره شرک

۶۰۱

فصل سوم

۱۲

منافقین

۶۰۲

۱۶۸	واژه نفاق در لغت و اصطلاح
۱۷۳	ویژگی‌های منافقین در قرآن
۱۷۴	سیتما و چهره نفاق در قرآن
۱۷۷	مکر و حيله و خدعه
۱۸۱	منافقین بیمار دل هستند
۱۸۶	چگونه خداوند بر بیماری بیمار دلان می‌افزاید؟
۱۸۷	مقتصدان مصلح نما
۱۸۹	مژاد از فساد منافقین چیست؟
۱۹۰	رابطه فساد و گناه
۱۹۲	سفیهان عاقل نما
۱۹۳	سفاهت و نشانه‌های آن
۱۹۳	سرزنش علی علیه السلام از سفاهت مردم بصره
۱۹۵	احکام فقهی سفیهان
۱۹۶	منافقین خود برترین
۱۹۷	منافقان چهره‌های مختلف و گوناگون دارند

۱۹۹	راه شناخت منافقین
۲۰۳	شناخت منافقین در ضرب المثل‌های قرآن
۲۰۸	ویژگی تشبیه منافقین به چوب خشک
۲۱۰	شان نزول آیات
۲۱۱	عاقبت طلبی منافقان
۲۱۲	واکنش منافقین در مقابل پیروزی و شکست مسلمین
۲۱۳	بزداشت مؤمنین از پیروزی و شکست
۲۱۴	رابطه مقدرات و سرنوشت
۲۱۴	شکست در زندگی مؤمنان وجود ندارد
۲۱۵	علت پذیرفته نشدن اتفاقات منافقین
۲۱۶	اموال و اولاد منافقین عامل خود باختگی مسلمین نشود
۲۱۷	فراریان ترسو
۲۱۹	طماعان عیب جو
۲۲۱	برخورد منافقین با پیامبر ﷺ
۲۲۴	شوء استفاده از سوگند
۲۲۷	نگرانی منافقین از فاش شدن اسرار آن‌ها
۲۲۸	عذر یدتر از گناه
۲۲۹	جز ثومه‌های فساد و بر هم زندگان نظم جامعه
۲۳۳	منافقین داخلی و خارجی
۲۳۴	مسجد ضرار «پایگاه منافقین»
۲۳۷	مسجد ضرار چگونه به وجود آمد
۲۳۷	اهداف چهار گانه منافقین
۲۳۹	مقایسه دو بنیان
۲۴۰	تز استفاده از مذهب، ضد مذهب
۲۴۱	بهانه جویی‌های منافقین برای فرار از جنگ
۲۴۴	اسامی نام‌های مدینه
۲۴۵	از چنگال مرگ نمی‌توان گریخت
۲۴۶	دو برخورد متضاد
۲۴۷	جدایی همیشگی منافقین از مؤمنین
۲۴۹	برای دریافت نور به عقب برگردید
۲۵۰	عوامل پنج گانه جدایی
۲۵۲	آن چه در دنیا عامل نجات است در آخرت نیست

۲۵۳	منافقین در نهج البلاغه
۲۵۷	بخشی دیگر از صفات منافقین در نهج البلاغه
۲۵۸	منافقین با طرح و برنامه پیش می‌روند
۲۵۹	نقش منافقین در تحریف حدیث و بدعت گذاری
۲۶۰	منافقان نفوذی
۲۶۲	بدعت چیست؟ بدعت گذار کیست؟
۲۶۳	مغز متفکر منافقین در مقابل علی علیه السلام
۲۶۸	احساس خطر پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به منافقین
۲۶۹	دوستی علی در دل منافق جای ندارد
۲۷۰	سینه منافق جایگاه حکمت نیست
۲۷۲	زبان منافق در کنترل او نیست
۲۷۵	روبرو شدن علی علیه السلام با چهره نفاق در جنگ جمل
۲۷۶	خصوصیات سپاه جمل در این گفتار
۲۷۸	پیش گویی پیامبر از جنگ جمل
۲۸۱	پایه های چهارگانه نفاق و شاخه های آن
۲۸۶	ویژگی های نفاق در کلمات قصار امیرالمؤمنین
۲۸۷	عقده روانی و طرق درمان آن
۲۸۸	جراحات روانی، انسان را از نظر خودش می‌اندازد
۲۸۹	علایم نفاق در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فصل چهارم

۷

مفسدین

۷-۲

۲۹۱	فساد و مفسدین در لغت و اصطلاح
۲۹۲	پیشینه فساد در زمین
۲۹۳	سرپرستی انسان در روی زمین
۲۹۴	گروه های نه گانه مفسدین در وادی القری
۳۰۴	فرعون و فساد در حکومت
۳۱۰	مجازات مفسدین
۳۱۱	دو فساد بزرگ در بنی اسرائیل
۳۱۳	یک آزمایش بزرگ
۳۱۷	دو فساد بزرگ در بنی اسرائیل
۳۲۰	پیشوایان ستمکار و فساد آن ها

۳۳۱	پیشوایان نور و پیشوایان نار
۳۳۷	کیفر، متجاوزان به جان و مال مردم
۳۳۸	اقوال در حدّ محارب
۳۳۲	مفسد و مصلح یکسان نیست
۳۳۳	پایان کار مفسدین
۳۳۷	مفسدین در نهج البلاغه
۳۴۰	گلایه‌های امیرالمؤمنین (ع) از فساد پیروان
۳۴۱	رهبران لایق از پیروان نالایق چه می‌کشند؟
۳۴۳	بشرّین ارطاة و فساد او در جامعه
۳۴۴	عوامل شکست و پیروزی
۳۴۵	زیستن با مفسدان چه قدر دشوار است؟
۳۴۷	به جامعه‌ای که صلاح بر آن حاکم است بدگمان نباشید
۳۵۰	اصلاح خواص موجب اصلاح عموم جامعه
۳۵۱	۱- زمامداران حافظ امنیت جامعه
۳۵۲	۲- علما طیبیان جامعه
۳۵۴	۳- عابدان راهنمای خلق
۳۵۴	۴- تجار و بازرگانان امنیان خدا در جامعه
۶۱۶	
۶۱۶	فصل پنجم
۶۱۶	مجرمین
۳۵۹	جرم در لغت و اصطلاح
۳۶۳	ملاک جرم در اسلام
۳۶۳	مصلحت‌های معتبر اسلامی
۳۶۴	برخورد مصلحت و مفسده
۳۶۶	عناصر تشکیل دهنده جرم در حقوق جزای عرفی
۳۶۶	چرا انسان دست به ارتکاب جرم می‌زند؟
۳۶۷	عناصر تشکیل دهنده جرم در اسلام
۳۶۷	اجرای قوانین جزایی اسلام در مورد اشخاص
۳۶۹	اجرای قوانین جزا در زمان
۳۷۲	اجرای قوانین جزایی اسلام در مکان
۳۷۸	فساد عامل تباهی
۳۷۹	تعاون آری تجاوز هرگز

۳۸۲	راه اصلاح پذیران با غیر آن‌ها جداست
۳۸۵	پشتیبانی از مجرمین خود جرم است
۳۸۵	سزانش امام سجاد علیه السلام از زهری
۳۸۷	روز جدایی گناه کاران
۳۸۸	شناخته شدن گناه کاران به چهره و سیمای آن‌ها
۳۹۱	شگفتی مجرمین از دیدن پرونده خود
۳۹۳	کوچ دادن مجرمین به سوی جهنم
۳۹۵	پزنش از گناه کاران: چرا به جهنم رفتید؟
۳۹۶	پاتسخ گناه کاران
۴۰۰	قیامت روز قطع ارتباطات
۴۰۲	نام شهرهای لوط و محل آن‌ها
۴۰۴	همجنس‌گرایی در دیدگاه اسلام ممنوع است
۴۰۵	کیفر مساحقه
۴۰۶	فلسفه تحریم همجنس‌گرایی
۴۰۸	پایان و عاقبت کار گناه کاران
۴۰۸	جهان گردی
۴۱۲	سنگینی و سبکی جرم
۴۱۳	تعریف حد
۴۱۳	تعزیر
۴۱۳	فرق زنا با سایر جرم‌ها
۴۱۴	جرائم عادی و جرائم سیاسی
۴۱۵	توطئه علیه اسلام - ارتداد
۴۱۶	ارتداد و کیفر آن
۴۱۷	کیفرهای گوناگون مرتد
۴۱۷	راه‌های جلوگیری از گناه

فصل ششم

مصرفین

۴۲۳	اسراف گران
۴۲۵	اسراف بر نفس و خویشتن
۴۲۷	اسراف در گناه
۴۲۸	اسراف در خوراک

۴۳۲		فراق میان اسراف و تبذیر
۴۳۳		دنیای امروز و توزیع ظالمانه
۴۳۵		اسراف در بذل و بخشش
۴۳۶		میان روی در انفاق
۴۳۸		اسراف در انتقام جویی و قتل
۴۴۰		جلوه‌گری عمل اسراف‌گران
۴۴۱		اطاعت از مسرفان ممنوع است
۴۴۲		رباطه اسراف و فساد
۴۴۴		قناعت
۴۴۷		اثر قناعت

فصل هفتم

مکذبین

۴۵۲		دروغ سرچشمه نفاق
۴۵۳		دروغ و پستی شخصیت
۴۵۴		دروغ از اقسام ظلم است
۴۵۵		دروغ سازان زبردست
۴۵۷		استفاده از دستگاه کشف دروغ در آزمایش‌های درمانی
۴۵۹		دروغ نسبت به خدا و آیات او
۴۵۹		ورود به بهشت برای مکذبین ممنوع است
۴۶۳		مجازات تدریجی مکذبین
۴۶۴		مجازات استدراج
۴۶۷		تکذیب آیات الهی عامل غرق شدن
۴۶۸		تکذیب آیات الهی عامل قطع نسل
۴۶۸		عاقبت تکذیب استهزا به آیات خداوند
۴۷۰		تکذیب پیامبران
۴۷۱		تکذیب معاد و روز قیامت
۴۷۴		انکار روز قیامت
۴۷۴		گواهی دروغ - سوگند دروغ - خلف وعده
۴۷۵		مستثنیات دروغ
۴۷۸		توریه یا گریز از دروغ
۴۸۰		پایان کار دروغ‌گویان
۴۸۵		موارد تکذیب نعمت‌ها

۴۸۸	نعمت آفرینش انسان
۴۸۹	مشارق و مغارب و حرکت زمین
۴۹۱	نعمت‌های دریا
۴۹۳	استفاده از دریا به وسیله کشتی
۴۹۵	مسأله حساب رسی
۴۹۷	شناخت انسان به پیشانی
۵۰۰	کدام یک از نعمت‌های بهشتی را مورد تکذیب قرار می‌دهید؟
۵۰۱	همسران بهشتی
۵۰۳	وای بر مکذبین
۵۰۶	ترسیم صحنه‌هایی از قیامت
۵۰۹	مقصد مجرمین و جنایت کاران ورود در جهنم و کیفر شدن آنان است
۵۱۵	فهرست آیات
۵۴۶	فهرست احادیث
۵۵۵	فهرست اشعار

در این کتاب به بحث اصول دین که به نام ایدئولوژی اسلامی شناخته می شود و هر انسانی باید آن را از روی دلیل عقل تشخیص داده و بدان معتقد شود و قابل تقلید از دیگران نیست این قسمت مربوط به شناخت خداوند و یگانگی و یکتایی و عادل بودن اوست و همچنین شناخت پیامبران و جانشینان آنان، امامان و اوصیا که انسان های عادل و داناتر از همه اهل زمان خویش هستند و دارای مقام عصمت می باشند که آن ها را از هر لغزش و خطایی مصون می دارد و همچنین اعتقاد به روز جزا و قیامت و این که اعمال همه بندگان در آن روز مورد محاسبه دقیق قرار می گیرد و جزا مطابق با عمل است.

مقدمه

در این کتاب به بحث اصول دین که به نام ایدئولوژی اسلامی شناخته می شود و هر انسانی باید آن را از روی دلیل عقل تشخیص داده و بدان معتقد شود و قابل تقلید از دیگران نیست این قسمت مربوط به شناخت خداوند و یگانگی و یکتایی و عادل بودن اوست و همچنین شناخت پیامبران و جانشینان آنان، امامان و اوصیا که انسان های عادل و داناتر از همه اهل زمان خویش هستند و دارای مقام عصمت می باشند که آن ها را از هر لغزش و خطایی مصون می دارد و همچنین اعتقاد به روز جزا و قیامت و این که اعمال همه بندگان در آن روز مورد محاسبه دقیق قرار می گیرد و جزا مطابق با عمل است.

اول: بحث اعتقادات و اصول دین که به نام ایدئولوژی اسلامی شناخته می شود و هر انسانی باید آن را از روی دلیل عقل تشخیص داده و بدان معتقد شود و قابل تقلید از دیگران نیست این قسمت مربوط به شناخت خداوند و یگانگی و یکتایی و عادل بودن اوست و همچنین شناخت پیامبران و جانشینان آنان، امامان و اوصیا که انسان های عادل و داناتر از همه اهل زمان خویش هستند و دارای مقام عصمت می باشند که آن ها را از هر لغزش و خطایی مصون می دارد و همچنین اعتقاد به روز جزا و قیامت و این که اعمال همه بندگان در آن روز مورد محاسبه دقیق قرار می گیرد و جزا مطابق با عمل است.

دوم: بحث احکام که مربوط به وجوب و حرمت، استحباب و کراهت و مباح و به نام احکام خمسیه تکلیفیه شناخته می شود و همچنین احکام وضعیه که مستلزم بعضی از احکام تکلیفیه می باشد و در واقع مکلف بودن انسان بستگی به شناخت این احکام و عمل به آن ها دارد.

سوم: بحث چگونه بودن انسان از نظر اخلاق و تربیت و رشد صفات انسانی و به عبارت دیگر بحث از فضایل و رذایل که موجب کمال انسان یا سقوط او می شود.

قسمت اول، مورد و موضوع بحث علم کلام و علمای علم عقاید و فیلسوفان اسلامی قرار دارد.

قسمت دوم، مورد بحث فقیهان و استنباط کنندگان احکام و مراجع تقلید دینی است که آن را به وسیله توضیح المسایل در اختیار جامعه قرار می دهند و تکلیف روزمره مردم از آن مشخص می شود.

قسمت سوم، مورد بحث علمای علم اخلاق قرار دارد که به وسیله فضایل و رذایل، معیار انسان با ارزش و بی ارزش مشخص می شود و غالباً کتاب های اخلاقی با این نوع مباحث شروع و پایان می یابد و از پیشتانان این سبک بحث کلاسیک اخلاقی را می توان این مسکویه که کتاب خود را به نام «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق» نامید، نام برد. بنابر نظر وی، اخلاق ضاذه از نفس است که به فضایل و رذایل تقسیم می شود. وی متوفی به سال ۴۲۱ می باشد.

۴. **فضایل و رذایل**

شکی نیست که فضایل اخلاق، مایه نجات و رستگاری و رساننده به سعادت جاوید و ابدی است و رذایل اخلاق مایه شقاوت و تخلف همیشگی هر فرد به شمار می رود. در نتیجه تخلیه و پاک سازی از رذایل و تخلیه و آراستن نفس به فضایل از مهم ترین واجبات و وظایف هر انسانی به شمار می رود و باید دانست که تا تخلیه حاصل نشود، تخلیه حاصل نخواهد شد؛ چنانچه آینه تازنگار و تیرگی ها از او زدوده نشود، استعداد قبول صورت و نقش ها را نخواهد داشت به قول مولوی:

آینه دانی چرا غماز نیست ز آنکه زنگار از رخ ممتاز نیست
آینه کز زنگ آرایش جدا است بر شعاع نور خورشید خدا است

رو تو زنگار از رخ او پاک کن بعد از آن آن نور را ادراک کن
مثل کسی است که بر عبادات و طاعات ظاهری مواظبت دارد و نسبت به قلب و درون خود بی توجه است؛ همچون مخل قضای حاجت و مزبلة خانه ای است که در و دیوارش با نقش و نگار روشن و اندرونش پر از کثافات است و یا مانند گور مردگان است که برونش آراسته و درونش لاشه ای نهفته است، یا همچون خانه ای تاریک که بر بام و بیرونش چراغ

افروخته باشند و درونش تیره و ظلمانی باشد، یا مانند کشاورزی که در لابلائی کشت او علف‌های هرزه روییده و او به جای این که علف هرزها را از بین بکند به اصلاح شاخ و برگ آن پردازد، اخلاق نکوهیده قلب آدمی را رستنگاه گناهان می‌سازد و هر که قلب خود را از آن‌ها پاک نگرداند، طاعات ظاهری او مفید فایده نخواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحْمُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَىٰ مَلَكَوَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ «اگر شیاطین اطراف دل‌های بنی آدم را فرا نگرفته بودند، آدمیان می‌توانستند به ملکوت و باطن آسمان‌ها و زمین بنگرند». و هفتمین است که قرآن متی فرماید: «مُؤَاطَبُ شَيْطَانٍ بِاشِيدٍ» که او سوگند یاد کرده برگمراهی انسان‌ها و خداوند فرموده است: بنندگان خالص من راهی برای شیطان نیست.

حکمت نظری و حکمت عملی

علمای علم اخلاق حکمت را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: نظری و عملی. حکمت نظری عبارت است: از شناسایی و علم به احوال اشیا و موجودات آن چنان که هستند. حکمت نظری عبارت است از: علم به این که رفتار و کردار آدمی - یعنی افعال اختیاری او - چگونه باشد. بنابر این در حکمت نظری از هست‌ها و نیست‌ها سخن گفته می‌شود و در حکمت عملی از بایدها و نبایدها. حکمت عملی محدود به انسان است و مربوط به افعال اختیاری او و بایدها و نبایدها هم مربوط به افعال اختیاری انسان است. در هر یک از علوم نظری، عالم و محقق بی‌طرفانه آن چه را که هست، مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهد. این گونه علوم را معرفت‌های توصیفی می‌نامند؛ اما دانشمندی که در حکمت عملی به مطالعه می‌پردازد، اعمال و رفتار آدمی را با توجه به آن چه برای انسان ارزش دارد - خیر یا سعادت، که مقصود و مطلوب اوست - بررسی می‌کند و روشن است که برای رسیدن به مقصد و هدف، بایدها و نبایدها مطرح می‌شود. مطالعه در اقوام مختلف نشان می‌دهد که در وجدان و عقل و دریافت آدمی احکامی وجود دارد که کلی و مطلق و دایم است. مثلاً این که باید انسان راستگو و درست‌کار باشد

یا از نیازمندان دستگیری کند یا عادل باشد و دوست دار و سخاوت. این نوع موضوعات، فردی و جزئی و موقت نیست؛ بلکه کلی و دایمی است و حکمت عملی با قبول چنین احکامی معنی دارد. چه در مورد سقراط و چه در مورد ارسطو، این افتخار نصیب سقراط است که به قول ارسطو، جستجو برای یافتن تعاریف کلی به خصوص در باره مفاهیم اخلاقی به سقراط برمی گردد. سقراط دریافت که طبیعت انسان ثابت و دایم است، بنابراین ارزش های اخلاقی ثابت و دایم است؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که انسان دیروز ذاتاً با انسان امروز متفاوت باشد. اما در گذشته ادراک فضایل و رذایل در شأن عقل عملی است؛ چنان که شیخ الرییس ابوعلی سینا، در شفا به این معنی تصریح کرده و گفته: کمال عقل عملی، استنباط آرای کلی در فضایل و رذایل اعمال با ابتنا بر مشهوراتی است که در واقع با برهان، مطابق است و تحقیق این برهان، متعلق به کمال قوه نظری است.

حق این است که مطلق ادراک و ارشاد، از جانب عقل نظری است و او به منزله مشاور و ناصح و خیر خواه است و عقل عملی به منزله تنفیذ کننده اشارات عقل نظری است.^۱

در مورد خود حیوانی و خود ملکوتی، در مورد خود انسانی و خود فردی، در مورد خود علوی و ملکوتی، خود فردی انسان، مجموع آمال و امیال و خواسته ها و شهوات اوست. در این قلمرو فردی کارهای او عادی و مبتذل است و این مرتبه را می توان مرتبه دانی و حیوانی و خاکی او نامید و این خود خاکی و حیوانی، تنها، وسیله و مرکبی است برای خود انسانی و علوی و ملکوتی او. اما خود انسانی، انگیزه های معنوی و الهی دارد و پیاپیگاه کرامت ذاتی انسان است و این خود ملکوتی، سرچشمه ارزش های متعالی و قدسی اخلاق است و در تعریف اخلاق چنان که بعضی گفته اند، تنها این نیست که چگونه باید زیست یا چگونه باید رفتار کرد؛ بلکه این

۱. تاریخ فلسفه تألیف کامیلسون، ج ۵، ترجمه سید جلال مجتبیوی.

۲. اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۲.

است که چگونه باید زیست یا رفتار کرد که زندگی و رفتار ما با ارزش و مقدس و متعالی باشد. فضایل آدمی و صفات خوب و شایسته او زمینه ساز شخصیت والا و مقدس انسانی او خواهد بود؛ همان گونه که رذایل، به وجود آورنده تقام زشتی ها و نقص ها در وجود آدمی می شود؛

نگارنده در کتاب شیوه‌نخبگی، به بعضی از صفات برجسته آدمی مثل صفت اسلام و تسلیم بودن او در پیشگاه حق و ایمان او به خداوند اشاره کرده و حقایق هستی و تقوا، بزرگ‌ترین گوهر گران‌بهای او و پیوستن به قافله عباد الرحمن و آن‌گاه رسیدن به جمع سپاس‌گزاران و در دایره‌بندگان مطیع قرار گرفتن و رسیدن به مرحله پایان کمال و جزء بندگان مخلص حق شدن و به حق پیوستن، مطالب ارزشمندی را مورد بحث قرار داده است. *تَقُوا اللَّهَ إِنَّكُمْ عِنْدَهُ قَائِمُونَ* (تقوا، خدا را؛ زیرا که شما نزد او ایستاده‌اید).

حال به صفات و عواملی که به عنوان مانع و آفت نخبگی، کمال انسان را در معرض سقوط و فنا قرار می‌دهد، به نام کفر و شرک و نفاق و فساد و جرم و اسراف و تکذیب که از اسامی فاعلی این واژه‌ها کافرین، مشرکین، منافقین، مفسدین، مجرمین، مشرفین، مکذبین استفاده شده، می‌پردازد و آن‌ها را از نظر قرآن و حدیث مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد و از خداوند بزرگ می‌خواهد که همه انسان‌ها را از مبتلا شدن به این صفات و حالات نجات بخشد.

حریم شکنی آگاهانه

حریم شکنی، هم از دیدگاه شرع و هم از دید عقل و خرد و وجدان آدمی، زشت و ممنوع است. توجه به این نکته ضرورت دارد که اگر کسی از روی سُهو و اشتباه تن به خلاف دهد، گرچه اثر وضعی خود را به جای می‌گذارد، اما سلامت قلب به طور کلی از بین نمی‌رود. اما اگر خلاف از روی علم و عمد و قصد باشد، گرچه کوچک باشد، اثر وضعی آن این است که سلامت قلب را از بین برده و او را به انحطاط می‌کشاند و سلب توفیق از او می‌نماید. از این جهت در روایات اسلامی، عذاب عالمان حریم شکن از جاهلان، مضاعف

است و گفته شده ممکن است هفتاد گناه از جاهل بخشوده شود، قبل از آن که یک گناه از عالمی بخشیده شود.

قلب، آینه صاف و روشنی است که همه زیبایی ها و زشتی ها را نشان می دهد. اما اگر کدر شد، هیچ چیز را نشان نمی دهد. امام محمد باقر علیه السلام درباره کدورت قلب و عامل آن می فرماید:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِلَّا الْقَلْبُ لِيُوقِعَ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ»^۱.

«هیچ چیز مانند گناه و خطا موجب فساد دل نمی شود. همانا گناه با قلب در می آمیزد تا جایی که گناه بر آن چیره می شود و آن را زیر و رو می کند».

علی علیه السلام فرموده است: «مَا جَفَّتِ الدَّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ»^۲.

«اشک چشم را جز قساوت دل ها نمی خشکاند و دل ها را جز زیادی گناه مبتلا به قساوت نمی کند».

آثار گوناگون گناه

«عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّةٍ ثُمَّ لَمْ يُنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ أَغْلَى أَشْعَارَهَا وَ قَصَرَ أَعْمَارَهَا وَ لَمْ تَزِنْ خُبَارُهَا وَ لَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا وَ لَمْ تَزُكْ ثَمَارُهَا وَ سَلَطَ عَلَيْهَا شِرَارُهَا وَ حُبِسَ عَلَيْهَا أَمْطَارُهَا»^۳.

«امام صادق علیه السلام فرموده است: «خداوند متعال زمانی که بر امتی غضب کند، سپس عذاب را بر آن ها نازل نکند؛ آن ها را به این بلاها مبتلا می سازد: گرانی قیمت ها، کوتاهی عمرها، سود نکردن کسب و کار آن ها، کمبود آب های کشاورزی، خوب نشدن میوه ها،

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۶۸؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۵؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۴.

۳. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۵۴.

مسلط شدن اشرار بر آن‌ها و ابتلای به کم‌آبی و خشک سالی»^۱ و حضرت رضا (علیه السلام) از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرماید: «يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ مَا تَنْصِفُنِي أَجَبْتُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ وَ تَتَمَقَّتْ إِلَيَّ بِالْمُعَاصِي خَيْرِي عَلَيْكَ مُنْزَلٌ وَ شُرْكَ إِلَيَّ صَاعِدٌ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِينِي عَنْكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ سَمِعْتَ وَصَفَكَ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ مَنْ الْمُوصُوفُ لَسَارَعْتَ إِلَى مَقْتِهِ»^۲.

«خداوند تبارک و تعالی به بنده‌اش می‌فرماید: «ای پسر آدم! با من از در انصاف وارد نشدی، من نعمت‌هایم را به سبب دوستیم با تو، به تو ارزانی داشتم؛ اما تو با گناهان و معصیت‌ها پاسخ نعمت‌هایم را دادی. خیر و نعمت‌های من بر تو ریزش دارد و شر و بدی تو به طرف من در حال صعود و بالا آمدن است و همیشه فرشته کریم و بزرگواری، اعمال قبیح و زشت تو را در شب و روز به من آرایه می‌دهد. ای پسر آدم! اگر توصیف خود را از زبان دیگران می‌شنیدی، در حالی که از عمل و صف شده‌ات بی‌خبری، حتما در نابودی و ترک آن عمل شتاب می‌کردی».

همین مضمون در دعای ابو حمزه ثمالی از زبان حضرت زین العابدین (علیه السلام) در سحرهای ماه مبارک رمضان آمده است:

«اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَوْبُ إِلَيْكَ، تَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَتُعَارِضُكَ بِالدُّنُوبِ، خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ، وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْتَنِعُ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِآلَاتِكَ، فَسُبْحَانَكَ مَا أَخْلَمَكَ وَاعْظَمَكَ»^۲.

«پروردگارا! از گناهانم به درگاهت توبه می‌کنم. تو دوستی و رزی به نعمت‌هایت و ما معارضه داریم به گناهان با تو. خیر توبه سوی ما نازل و ریزان و شر و بدی ما به سوی تو در حال بالا آمدن و صعود کردن است. همیشه تا بوده و هست، فرشته کریمی، اعمال زشت ما

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹.

۲. مصباح کفعمی، دعای سحر، ص ۵۹۱.

را به پیشگاهت ارایه می دهد؛ اما تو را باز نمی دارد از این که ما را به نعم خود فراگیری و بر ما تفضل نمایی. پاک و منزهی! چه بردباری و چه بزرگی!» «نعم»

پس آری! این است حالات بسیاری از ما بندگان خدا؛ نمک خورده و نمکدان می شکنیم و در مقابل آن همه نعمت و کرامت، بافورمانی و تمرد می نماییم؛ اما او با کرامت بر ما عنایت و لطف دارد؛

گناهانی را که ما بندگان انجام می دهیم و فرشته کریم خدا آن ها را به سوی او بالا می برد، چنین مراحلی دارد: کفر، شرک، نفاق، فساد، جرم، اسراف و دروغ که به عنوان واژه های کافرین، مشرکین، منافقین، مجرمین، مسرفین و مکذبین در این کتاب مورد بحث قرار می گیرد. خداوند توفیق ترک همه گناهان به خصوص گناهان مذکور را عطا فرماید و در این جا لازم است از خدمتگزار علوم اهل بیت جناب آقای حاج محمد تقی انصاریان که در چاپ و نشر آن کوشیده و جناب آقایبرزگر که آماده سازی کتاب را به عهده داشته است، تشکر و قدر دانی شود. «و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین».

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سیدنا محمد و آله الطاهین

بقدرت الله مشایخی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سیدنا محمد و آله الطاهین

بقدرت الله مشایخی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سیدنا محمد و آله الطاهین

بقدرت الله مشایخی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سیدنا محمد و آله الطاهین

بقدرت الله مشایخی

بسم الله الرحمن الرحیم